

امپریالیسم امریکایی  
برای ادامه و گسترش جنگ ایران و عراق تلاش می کند!

خاورمیانه در دو هفته گذشته کانون سفرها و دیدارهای بی‌آلود نیروهای شبه جهانی اربحاع سرگردگی امپریالیسم امریکا بود. مضمون و محتوای اصلی این دیدارها، آن چیز است که در گنگوی الکساندر هگ، وزیر امور خارجه امریکا با اوجراله ورسر دفاع رژیم صر عنوان شد. در این ملاقات گفته شد:

"موقعیت جنگ ایران و عراق بسیار بحرانی شده است و ایالات متحده باید برای بازگرداندن موازنه در منطقه خلیج (فارس) کاری انجام دهد!"

پس از این ملاقات بود که روزنامه صغیری الاهرام، صااحسه هگ، وزیر امور خارجه امریکا را به جانب رساند. هگ در این صااحسه اعلام کرد:

"امریکا در برابر هرگونه تغییر اساسی در موازنه قدرت در منطقه خلیج فارس که ناشی از جنگ عراق و ایران باشد بی تفاوت نخواهد بود."

چندی بعد، سهام اندکی هم که در صحن هگ بود، صااحسه ساتور هتری حکسون با تلویزیون سی. سی. اس. بر طرف گردید و محتوای تحرکات تازه نیروهای اربحاع در سطفه از روشنی باز هم بیشتری برخوردار شد. معلوم شد:

"بزرگترین وحشت از احتمال ورود نظامی ایران به خلیج فارس، (بحران وحشت از اتاعه آماج‌های ضد امپریالیسمی و مردمی انقلاب ایران در خلیج فارس) نابود ساختن میدانهای نفتی در کویت، ابوظبی، امارات متحده عربی و عربستان سعودی است. زیرا آن کشورها از عراق حمایت کرده‌اند." حکسون افزود:

"ما باید نیروهای لازمی را که بتوانند چنین حرکتی را بازدارند داشته باشیم و باید برای ایران روشی کرد که ما به هربلاشی برای قطع جریان نفت به امریکا با متحدین غربی مان پاسخ خواهیم داد."

مادر نخستین شماره بولتن - ۱۲۶۱/۱/۱۵ - در صغیری بر بروری‌های بزرگ عملیات فتح نوشتیم:

"آنچه را که ما شاید از خاطر بسوزیم آنست که شکست صدام در جنگ بحملی، قبل از هرچیز شکست امریکاست و امریکا با تمام نیرو خواهان مصاف و مسخ جمهوری اسلامی ایران و شکست انقلاب ما و حشش دموکراسیک و استقلال طلبانه مردم عراق است."

برووری‌های ایران در خشی ساختن بوطنه‌های امریکا از جمله در جنگ بحملی، نسبت هرچه بیشتر جمهوری اسلامی ایران را در برنارد. این برووری‌ها ساختن قوارانه سودنیروهای مسلح ما ضمیمه داده و در صغیر بار هم بیشتر ساختن قوابه سودنیروهای ضد امپریالیسمی در منطقه مسلط نوشت است. این برووری‌ها، چنانچه جمهوری اسلامی مواضع عادلانه و برفیخواهانه خود را حفظ کرده و بوسه‌بین برنوشست مردم عراق توسط خود آنان و سروهای سیاسی ناپهیده آیان همچون امروز ناکبند ورود، آماج‌های ضد امپریالیسمی، ضد صهیونیسمی و مردمی انقلاب ایران را اتاعه می‌دهد و به بیان دیگر، صاا بواصندی حشش‌های استقلال طلبانه خلقهای منطقه است."

در برابر این واقعت که کلوی امپریالیسم جهانی و نه ورسره امریکای حششکار را در حیاتی‌ترین سطفه اسرائیلک بهت نفوذش می‌فشارد، واکنش امریکا و اربحاع سطفه سها یک چیز می‌تواند باشد: تلاش گسردهمر برای مسخ و نابودی انقلاب ایران. امپریالیسم امریکا به تلاش‌های خود برای برانگیختن رژیم‌های اربحاعی منطقه در جهت حمایت فعال از رژیم صدام خواهد افزود.

به این ترتیب یکبار دیگر جریان ردگی، درستی تحلیل‌های ما

راه اشاعت برساند، باز دیگر اشاعت می شود که تا انقلاب شکوهمندان در رانای ضدامپریالیستی و مردمی خود در پیش و تعمیق است. امپریالیسم آمریکا هر لحظه دست درگاز در هم شکست است. واقعات، اکنون بدون کوچکترین آسیبی نشان می دهد که امپریالیسم آمریکا، تمام نیروهای خود را بکار می گیرد تا جنگ ایران و عراق ادامه و گسترش یابد. زیرا آمریکا با تملیق نگاه داشتن آتش این جنگ تجاوزکارانه از یکسو رژیم صدام را که با کام های بلندی از هدفهای ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی مردم عراق فاصله گرفت و می گیرد، یعنی از پیش به ارتجاع عرب پیوند می دهد و از سوی دیگر نیروهای انسانی و اقتصادی سیاسی را که می یابند در راه ناسیم استقلال و سازندگی انقلابی در دو کشور، یوزبه در سپین انقلابی ما صرف گردد تحلیل می برد.

خلاصه امری که اکنون شن از شن میوه حبط و غم رژیم صدام و بیشتر از آن سوخته جلوسگری از برات، آماج های صامپریالیستی و مردمی انقلاب ایران به کشورهای منطقه است که ما با دارای هم بودنیهای تاریخی، مدنی و اساسی قابل ناکدی هستند. اینهمه در بحر جدید امپریالیسم آمریکا و رژیم های ارتجاعی منطقه بگای وجود دارد که باید بر آنها ناکدی کنیم:

۱- در معانسهای کتوسی، امپریالیسم آمریکا تلاش می کند رژیم آمریکایی مصر بخش مالیاری در جنگ تحمیلی، سود رژیم صدام بر مبنایه گردید. "ما که" رئیس امریکایی رژیم مصر اعطا کرده است:

اعتمادت خلیج فارس عربی را امنیت مصر است!

او کجاست:

جنابیده امنیت کشورهای خلیج فارس مورد تهدید قرار گیرد. در بنگار خواهد نشست!

مارک اعلام کرده است:

"ما نمی رژیم قبول کنیم که امنیت هیچ کشور عربی در خلیج فارس خطرات آید، زیرا ما شدیداً در برابر این خطرات و تهدیدها که حقوق ملت های برادر ما را برهم خواهد زد ایستادگی خواهیم کرد."

سنان مارک نخستین کام های است که برای اجرای نقشه امپریالیست داشته می شود. نقشه ای که یکی از مقامات بلند پایه وزارت امور خارجه آمریکا، در مصاحبه با جرنگار روزنامه کرپتین جانسن مانیتور آنرا آشکار ساخته است. این مقام در مصاحبه یاد شده اعلام کرد:

"آنها (مقامات وزارت امور خارجه آمریکا) احساس می کنند که ایران نقطه ای برای اصلاح روابط بین کشورهای عرب و مصر می باشد."

روزنامه سعودی الشرق الاوسط نیز در این زمینه ناکدی کرده است که:

"تهدید جنگ ایران و عراق ممکن است مصر را وادار کند که برای حفظ امنیت کشورهای خلیج (فارس) مسقیماً مداخله کند."

تلاش آمریکا برای معال کردن رژیم مصر در جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام در چهارچوب فترده تر ساختن ارتجاع منطقه هدفهای حیثی را تعقیب می کند

نخستین هدف اینست که رژیم مصر، از انزوای ناشی از سازش حاشانه رژیم صهیونیستی اسرائیل سرون آید. هدف از نزدیک ساختن رژیم امریکایی مصر که سبیل خیانت به آرمان فلسطینی و سازش با امپریالیسم و صهیونیسم است به باصلاح اتحادیه عرب، همچنانکه در سابقه مشترک ایران دو کشور عضو جنبه پایداری، حوره و لیبی نیز حاضر نشان شده است. "عربی ساختن قراردادهای کتب دیوید است."

این سخن از نقشه آمریکا، ادامه تشبیهاتی است که با اجرای قرارداد کب دیوید برای سرکوب انقلاب فلسطینی و تحت فشار قرار دادن کشورهای عضو جنبه پایداری مذاکره می شود.

نومین هدف که ادامه منطقی هدف اول است "عربی کردن جنگ ایران و عراق است. این نمب از نقشه آمریکا به امضای نسه نقشه لریگایی و سیاسی کردن جنگ و بنام "است که همه آرمان مطلم، ابورماله ویر دفاع مصر در مصاحبه با هفته نامه "مایو کمناست" تشکیل یک نیروی مشترک عربی برای دفاع از جامه های پخت در برابر خطر تیزی ضروری است.

ویر دفاع مصر با صراحت اعلام کرده است:

"تلاشهای مورت دیار این ارتش را آمریکا نامین می کند"

ویر کشور عربستانی سعودی سر در مصاحبه با روزنامه کویسی ان ایسه اعلام کرده است:

"تلاش ما با ایران را که فست دارد رژیم های طرفدار ایران در سراسر منطقه بوزار که در آنها جنگ بین عراق و ایران نیست، بلکه

مناقشه حامطنی ایران برای کنترل بخش عرب خلیج (فارس) است که با مدرین آغاز می شود و به همه کشورهای منطقه حساس می گردد.

الته امپریالیسم آمریکا از زمانی پیش در این زمینه دست به اقدام زده بود. قراردادهای نظامی و امنیتی که چندی پیش میان رژیم های ارتجاعی منطقه منعقد شد و یوزبه تشکیل اتحادیه نظامی موسوم به "شورای همکاری های خلیج" که اجلاس اخیر آن بنظرسور گذرش دانه جنگ عراق علیه ایران بانگست رهبرو شد، از این شمار است.

امپریالیسم آمریکا برای فترده تر ساختن ارتجاع منطقه، با تکیه بر ناسیونالیسم ارتجاعی و قومیت عربی تبلیغات دامنه داری را در یوزبه خطر موهوم تجاوز ایران به یوزبسنهای عربی سازمان داده است. این تبلیغات برای بردهوشی اقدامات تجاوزکارانه امپریالیسم و صهیونیسم و تحریف ساختن ادعاهای توده های عرب از دشمنی با رژیم صهیونیستی اسرائیل و برانگیزش آنها علیه رژیم انقلابی ایران صورت می گیرد.

امریکایی حناگ "اسدور است که ایران در ادامه جنگ به "معاصره بنهاد" و "کبلا" تنویق و ترغیب شود. امریکایی این گرایش خطرناک، که ایضا و آحا از سوی محافل معینی دامن زده می شود حساب بار کرده است و این در حالیکه مسئول ترین مقامات جمهوری اسلامی ایران بارها نجات صلح حیوانه خود را اعلام داشته و "منطق تجاوز" را "منطق طاغوت" و "بگانه با منطق اسلام انقلابی اعلام کرده اند. اسام خصمنی که بارها این ترفند آمریکا را افشا و نست به آن هشدار داده است، در دیدار اخیر با اعضای شورای عالی تبلیغات اسلامی (صح بکشته ۲۶ اردیبهشت) طی سخنانی ناکدی کردند:

"دولت و ملت ایران از اول هم اعلام کر که ما هیچ نظری به زمین های دیگران نداریم."

(کجهان دوشه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱)

نخست وزیر نیز در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی عصر بکشته ۲۶ اردیبهشت ماه خاطر نشان ساخت:

"ما قصد داریم آن چیزی که دفاع برای ما محسوب می شود انجام بدهیم از نظر شرعی و اسلامی نیز این مساله قابل قبول است. ما بارها اعلام کردیم که قصد طبع به وجهی از خاک عراق نداریم، حتی به کشورهای دیگری هم نداریم."

در اعلامیه وزارت خارجه سپهتان نیز که بنساخت اجلاس اخیر "شورای همکاری های خلیج" در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه، انتشار یافت، موضع حق طلبانه جمهوری اسلامی ایران، بشرح زیر مورد تاکید قرار گرفته است:

"دولت جمهوری اسلامی ایران همانگونه که بارها اعلام کرده و در مسائل های سایندهگان خود با رهبران برخی از کشورهای دوست در شورای همکاری خلیج فارس نیز ناکدی کرده است حق هرگونه نصب گیری در کشورهای منطقه را از آن ملت ها می داند و بر این اساس هرگونه مداخله در امور این کشورها را مسرود می شمارد."

تاکت مسلمان ایران و دولت جمهوری اسلامی ایران به هرکام حق گزایانه هرچند کوچک از سوی هر یک از کشورهای منطقه در جهت ظاهم با جمهوری اسلامی ایران به منظور استقرار ثبات و امنیت و سازره عظمی با امپریالیسم و صهیونیست ارج نهاده و آنرا در روابط آتی خود با این دولتها به حساب می آورند. همانگونه که در قبایل هرگونه حرکت خلاف فاطمانه عکس العمل نشان خواهند داد."

منطق امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا، منطق تجاوز، جنگ، فارت و جهاول است. تلاش آمریکا و رژیم های ارتجاعی منطقه برای تقویت و تشویق رژیم صدام به ادامه و گسترش جنگ، ما را در دفاع از سپین انقلابی و درهم نگیس تجاوز امریکایی رژیم صدام مصمم تر می سازد. اینهمه اشاعت می کند که دمع تجاوز همچنان مساله اصلی انقلاب ما است.

اتحاد با کشورها و نیروهای مترقی و انقلابی منطقه و با جنبه جهانی ضدامپریالیستی و اتحاد وسیع نیروهای انقلابی در کشورمان مهم ترین و اساسی ترین پاسخی است که باید به اتحاد نیروهای ارتجاعی سرکردگی امپریالیسم آمریکا داده شود. در برتو چنین اتحادی سگمان انقلاب، سر همه دشواری ها غایق می آید و راه بروری های ما رهم بزرگتری را می یابد.

سگرهای مقدم نبرد با نجاورگران از خون رفیقان ما لالگون است.

لوح افتخار آفرین شهدای سازمان در جنگ میهنی علیه تجاوز  
امریکایی رژیم صدام از حماسه‌هایی که در "عطیات فتح‌المبین"  
و "بیت‌القدس" آفریده شده. همچنان بنام رفیقان ما آذین  
می‌یابد.

ایشان و فداکاری فدائیان خلق ایران "اکبریت"، در دفع تجاوز  
امریکایی رژیم صدام نمونه درخشان میهن‌پرستی انقلابی و برهان  
روشنی از حقانیت سازمان و شی‌اصولی ما در دفاع از استقلال و  
جمهوری اسلامی ایران است. در میان کاروان شهیدان میهن‌انقلابی  
و در کنار پیگرهای به خون خفته مسلمانان انقلابی پیرو خط امام  
خمینی، رفقای شهید ما، رزمندگان بخون خفته فدایی و خودمائی،  
با بی‌غش و بی‌سودترین اسد‌های انقلابی، میهنی و مردمی نمودماند. خون  
پیروان اصل سوسالیم علی و پیروان صدیق خط امام در شطی  
واحد جاریست. تا شکوفه‌های اتحاد بزرگ خلق به میوه نشیند و  
نهای انقلاب بارور و بارورتر گردد.

رفیق شهید شهریار علی‌پور، متولد روستای دولت‌آباد باسوج  
در ۸ / فروردین / ۱۳۶۱، در عطیات "فتح‌المبین"، در جبهه‌های  
سوسنگرد و گرخته‌نور، هنگامیکه سوار بر تانک بر قلب متجاوزین  
صدامی در حال بوزش بود، مورد اصابت ترکش خمپاره فرار گرفت  
و به شهادت رسید.

پیگر بخون خفته او را، همراه پیگرهای پاک هم‌سنگرانش، با سدار  
شهید سهراب حعفری و سیمینی شهید رحمت‌الله باقرپور به  
زادگاهشان باسوج آوردند.

رفیق شهید کاسیز سیر، در سوم فروردین ماه ۱۳۶۱، در جبهه  
رقابیه بر اثر ترکش خمپاره به شهادت رسید.

پیگر پاک او، در خروش "مرگ بر امریکا"، توسط مردم فیروزکوه  
تا روستای زادگاهش "کالان" تشییع شد. او در آخرین روزهای  
زندگی روشن و شرفار از فداکاری در راه انقلاب و آماج‌های مردم  
مهرورم، به رزمنده هم‌سنگرش چنین وصیت کرده بود:

"آرزو دارم که بعد از شهادتم، عکس سربازیم را زیر عکس  
امام خمینی سرگوجه‌مان بگذارید و بنویسید، من یک فدائیم و  
برای دفاع از خلق و انقلابم شهید شدم"  
رفیق شهید فریدون بهرامی

رفیق شهید پناهی  
دور رزمنده شهید دیگر از تار فدائیان خلقی ایران "اکبریت"،  
که در عطیات پیروزی آفرین "بیت‌القدس" قهرمانانه در راه  
پاسداری از انقلاب و دفع تجاوز امریکایی رژیم صدام، به شهادت  
رسیدند. پیام آنان نیز، آنچنانکه در وصیت‌نامه رفیق شهید  
عبدالباقی خضری آمده است چنین بود:

"میدانم با مرگ من غم عمیق و فراموش نشدنی شما را در  
رومی‌گردد، ولی چاره چیست؟ باید با مزدوران به‌نبرد برخاست  
و از میهن انقلابی و جمهوری اسلامی که خونبهای شهادت دفاع  
گردد.

عبدالباقی در جای دیگری از وصیت‌نامه خود می‌نویسد:  
"گرچه زندگی برایم زیباتر است. بهار زیباتر از باستان، تابستان  
زیباتر از پائیز و پائیز زیباتر از زمستان، ولی با وجود همه این  
زیبایی‌ها، حاضرم بخاطر استقلال، آزادی و مسابیت ارضی میهن  
انقلابی و بخاطر دفاع از جمهوری اسلامی از تمامی آنها چشم  
پوشم.

در پایان یادآوری می‌کنم اکنون که ۶ ماه است در خط‌اول  
جبهه می‌باشم در همین لحظات حساس بیش از هر موقع خود را  
هوادار سازمان فدائیان خلق ایران "اکبریت" می‌دانم و به چنین  
رهبری افشار می‌کنم. در ضمن از ۱۳۸۰۰ یومانی که از من  
بمانده، ۲۰۰۰ تومان آن منطبق به رفیق شهید منصور شمس  
است که پیش هم سگرانش بوده، بقیه را برای سازمانم بفرستید.

در برابر این نمونه‌های درخشان میهن‌دوستی انقلابی و فداکاری  
در راه پاسدار از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که الهام‌بخش

فوقی ارتش صدام از مقاومت شورانگیز مردم و رزمندگان ما، در  
ویرانی‌های دستانه پادگان حمید و شهر هویزه مشهود است. رژیم  
صدام به تلاشی قهرمانی‌های مردم و رزمندگان ما نظیراً همه مراکز  
اقتصادی و نظامی را که در اشغال داشت و شهر هویزه را با خاک  
یکسان کرده است. این تخریب جنایتکارانه که سند رسائی رژیم  
صدام و افتخارکننده ماهیت ضد مردمی آنست، در عین حال نشان  
دهنده اراده استوار و قهرمانی‌های مردم ما در دفاع عادلانه از  
جهن انقلاسی و دفع تجاوز است.

بدون تردید قهرمانی‌های مردمی که به آزاد ساختن شهر هویزه  
انجامیده است، قادر است به نیروی اتحاد همه نیروهای میهن  
دوست و مدافع انقلاب، خراسی‌ها را آبادان سازد. اراده خلیل‌ناپذیری  
که تجاوز آمریکایی صدام را درهم شکست می‌تواند از خونین شهرها،  
خرم شهرها برپا سازد.

کمیته مرکزی سازمان ما، بناست به روزی‌های عملیات بیت‌المقدس  
اطلاعه‌های در تاریخ یکشنبه ۱۹ / اردیبهشت ۶۱ انتشار داد. در  
این اطلاعیه آمده است:

"جبهه‌های دفاع عادلانه ما در برابر تجاوزگران که آوردگاه رزم  
مشرك همه رزمندگان و مدافعان انقلاب، قطع نظر از تفاوت‌های  
ملکی علیه تجاوز آمریکایی صدام است. اکنون پیام آور شکست  
نهایی تجاوزگران سرگردگی آمریکایی جنایتکار است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران "اکبریت"، این به روزی  
بزرگ را به رهبر انقلاب امام خمینی و به همه رزمندگان جان  
برگ جبهه‌های جنگ محملی - این دلاوران جاساس‌فروستن  
ارتشی سپاهی و بی‌مع مردمی - و به میلیون‌ها مردم محروم و  
زخمکش میهن که با قداکاری‌های عظیم، همه بار سنگین این  
جنگ را بر دوش می‌کنند صحنه‌ها شادباش می‌گوید.

## انتقام جوی کور، آخرین حربه تروریسم امریکایی باند رجوی

رهبری خائن "مجاهدین" در نتیجه شکستهای پی در پی، در هفته‌های اخیر اقدامات مایوسانه و جنایتکارانه جدیدی را در پیش گرفت و با قربانی کردن تعدادی از مردم کوچه و خیابان و محصلین دوره راهنمایی، پاسداران و کارکنان صندوق قرض‌الحسنه و ... در صدد حفظ حضور ضدانقلابی خویش در جامعه ایران برآمد. شکست فزاینده مبارزاتی ضدانقلابی رهبری مجاهدین و افشاء همه جانبه ماهیت باند رجوی سرانجام رهبری این دارودسترا به آنجا کشید که شیوه انتقام جوی کور را در پیش گیرند و برای ارضاء لجاجت کین‌توزانه ضدانقلابی خود جوانان رنگم کرده را به میدان بکشند تا کودکان و نوجوانان دبیرستانی و پسر و جوان مدافع انقلاب را به گلوله‌بارندند. بیگمان قربانی کردن مردم بی دفاع انقلابی تنها و تنها نفرت هر چه بیشتر توده مردم را متوجه رهبری خیانت پیشه و جنایتکار مجاهدین می‌کند. ترورهای اخیر بی‌انگیزه و بی‌مبوغه‌ای باند رجوی با سیاست‌های پان‌آمیز و ددمنشانه امپریالیزم است و نشان می‌دهد که این باند "پرویزندانه" هرگونه وجه تمایزی را بس خود و سلطنت‌طلبان و دیگر مزدوران امپریالیسم امریکا از میان برداشته است.

بدون تردید در ترورهای اخیر، دستجات مسلح سلطنت‌طلب و ساواکی و سپاهی نیز دست دارند. آنچه که اهمیت دارد اینست که این ترورها در شمار تلاش‌های مذبوحانه است که از سوی جبهه متحد ضدانقلاب سرگردگی امریکا برای بازداشتن انقلاب از روند تثبیت و تعمیق آن و جلوگیری از دست یافتن جامعه به آرامش نسبی به قانون و عدالت اجتماعی عمل می‌آید. آنچه مهم است اینست که پشت همه این جنایات دست‌خون‌آلود امریکای جنایتکار است. صحنه گردان واقعی "سپا" است.

استفاده کنوسی رجوی از حربه انتقام، نشان می‌دهد که تا چه پایه سیاست اعدام‌های بی‌رویه و روش مخالفان سیاست ارتشادی، روش مخالفان سیاسی که در میان مشترک پازمان و حزب پیشنهاد شده بود، بسود رجوی تمام شده است. در مسائلی که از این رهگذر انقلاب با آن روبروست بدون تردید مخالفان "رافت و رحمت" امام خمینی "سپه" و شریکند.

هر آنگون نیز یکی از هدفهایی که رجوی خائن در گسترش ترورهای جنایتکارانه تطبیق می‌کند، تطبیق مخالفان مخالف اتحاد یک سیاست روشن و منجمده ارتشادی و اصولاً "تطبیق نیروهای طرفدار حکومت و مخالف قانون اساسی و بویژه حقوق و آزادیهای سیاسی مصرحه در آنست. تروریسم، گوشش می‌کند از طریق ایجاد بی‌ثباتی، ناامنی آشوب، به جو رعب و ترس در جامعه دامن زند. زمین‌های فعالیت آزاد سیاسی را محدود و محدودتر کند و به این وسیله تودمها را از انقلاب رویگردان سازد.

برای بیخاک سپردن تروریسم امریکایی رجوی و شرکای سلطنت‌طلب آن بدون تردید قاطعیت انقلابی ضرورت دارد. و این البته بخشی آنست که قاطع‌تر از هر زمانه "بند از قانون" و "عمل به قانون" دفاع کرد.

## قانون شکنی همچنان منجر نیرومند ضد انقلاب است.

آیت الله ربانی امینی دادستان کل کشور در نماز جمعه تهران ۲۲ اردیبهشت - تأکید کرد:

"در جمهوری اسلامی ایران اطاعت از قانون مثل اطاعت نماز و روزه واجب است."

دادستان کل کشور در نماز جمعه تهران بطور مشروحی بهرامین اهمیت و ضرورت رعایت قانون سخن گفت و بر این امر مهم مگرراً تأکید نمود.

آقای حائضی رئیس جمهور نیز در پیام روز جمهوری اعلام کرده بود:

"اطاعت محض از قانون دستور روز انقلاب است."

این تأکیدات نشان می دهد که گرایش نیرومندی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که به استقرار حکومت قانون همچنان بی اعتناست و در عمل، همچون کسانی که سب می گذارند و جنایتکارانه دست به تهور و تخریب می زنند، در راه دست باسی جامعه به آراش متکی به قانون و عدالت اجتماعی اخلال می کند و با تلاشهایی که در این زمینه بعمل می آید مقابله می نماید.

زمانی که امام سال ۶۰ را سال قانون اعلام کردند، مبارزه بین این دو خط، خط رعایت قانون و پایبندی به حقوق و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی و خط انحصار طلبانهای که تنها خود را "قانونی" می شناسد و هیچگونه تعهدی در زمینه پایبندی به حقوق و آزادیهای مصرحه در قانون اساسی را نمی پذیرد وارد مرحله تاریخی شد.

این حقیقت که هنوز "اطاعت محض از قانون، دستور روز انقلاب است" خود نشان دهنده ناگامی است که به روان اصل خط امام، در مقابله با "قانون شکنان" و "انحصار طلبان" داشتند. بی اعتنائی در عمل به "اطلاعی ده مادی دادستانی" نمونه دیگر است. محدودیت های دم افرونی که در راه فعالیت های قانونی سازمان ما و حزب توده ایران پدید آمده است، بازداشت و حبس لضعاء و هواداران ما، نمونه هایی از اقدام های غیر قانونی که تعدادی از بهترین رفقای ما قربانیان آن بودند، تعطیل ارگان ما و پاره ای از نشریات مدافع انقلاب، نحوه های آشکار و انکارناپذیر نقض قانون و نقض آزادی های سیاسی و مردمی مصرحه در قانون

اساسی است. چنین اقداماتی نفی آشکار رهنمودهای امام خمینی و مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی ایران است.

جریان زندگی، مسئولان جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش به اهمیت استقرار بدون خدشه حکومت قانون و رعایت آزادیهای سیاسی و مردمی بصرحه در قانون اساسی متوجه می سازد.

ما امیدواریم که برپایه اصل ۱۶ قانون اساسی و در چهارچوب قانون احزاب، محوب مجلس شورای اسلامی، هرچه زودتر موافقتی که بر سر راه فعالیت قانونی سازمان ما بوجود آمده است برطرف گردد. بی مناسبت نیست سخنانی را که امام در پاسخ مجاهدین در ۲۱ اردیبهشت ماه ۶۵، درست در چنین روزهایی در زمینه آزادی فعالیت سیاسی دگراندیشان مدافع انقلاب مورد تاکید قرار دادند خاطرنشان کنیم. باشد که پایداری مسئولان جمهوری اسلامی ایران به این رهنمودهای آرادمشاه امام خمینی، آنان را در مبارزه جدی تر با خطر بزرگی که از رهگذر بی اعتنایی به قانون و آزادیهای سیاسی و برای بصرحه در فسانون اساسی متوجه انقلاب است، توانمندتر سازد.

تأکیدات امام خمینی در زمینه آزادی فعالیت سیاسی  
 پروان اصل سومسالنهم علمی - ۲۱ اردیبهشت ۶۵

... ما آنها را جزو مسلمین هم حساب نمی کنیم، عدالتگ چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت های سیاسی دارند هم آزادند و هم نشربه دارند بطور آزاد، پس بدانید که ما اینطور نیست که با اجسراب دیگری، با گروه های دیگری دشمنی داشته باشیم.

... ما دانی که آنها با ما جنگی ندارند و با کشور اسلامی جنگی ندارند و در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکردند بطور آزاد دارند عمل می کنند و بطور آزاد حرف های خودشان را دارند می زنند.

گسترش ترور انقلابیون توسط باند ضدانقلابی قاسملو و کومله،  
نشانه زبونی و اضمحلال آنها در کردستان است.

روز ۶۱/۱/۲۹، یکی از اعضای جوانان مهاپادسازمان ما، رفیق کریم خیاطی بدست نیروهای ضدانقلابی که باند قاسملو در راس آن قرار دارد، ناجوانمردانه و بطرز جنایتکارانه‌ای ترور شد.

باند خیانت‌پیشه، قاسملو و شرکای کومله‌ای آن مدت‌هاست که چهره واقعی خود را نشان داده‌اند. از جنایت بزرگ "دوله‌تو" که با همدستی رژیم جنایتکار صدام با کشتار ۱۸۵ زندانی زندان "دوله‌تو" به ظهور رسید، تا اعمال سیاست ترور، غارت، باجگیری که اکنون با وسعت و دامنه بی‌سابقه‌ای توسط باندهای جنایتکار قاسملو و کومله بکار گرفته می‌شود، همه گویای ماهیت ضد مردمی این باندهاست.

ترور اخیر روحانی مبارز و متنفذ مهاباد، ملا عبدالکریم شه‌ریکندی که مجدانه در راه تحکیم همبستگی خلق کرد و جمهوری اسلامی می‌کوشید نمونه دیگری از جنایت باند قاسملو است.

هم‌اکنون در زندانهای متعدد باندهای ضدانقلابی کردستان، که قاسملو سرکردگی آنانرا برعهده دارد، گروه‌هایی از انقلابیون کرد و غیرکرد، مسلمان و طرفدار سوسیالیسم علمی، و نیز جانبداران حزب دمکرات پیرو کنگره چهارم تحت شکنجه قراردارند. باند قاسملو بسیاری از مخالفان سیاسی خود را، در سرتاسر کردستان غایباً محکوم به اعدام کرده است.

در همین اواخر عده‌ای از کارمندان شهرستان بانه که حاضر به همکاری با ضد انقلابیون نبودند از سوی "قاسملو" هشدارباش دریافت کرده‌اند!

باند ضدانقلابی و گروهک مائوئیستی کومله نیز همچنان دست در کار ترور و جنایت علیه خلق کرد و انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و مردمی میهنمان است. جنایت این باند ضدانقلابی در روستای دولاب از توابع کامیاران تنها یک نمونه است.

دستجات مسلح کومله، نزدیک به دو ماه پیش، ۱۸ تن از دهقانان محروم دولاب را به جرم اعتراض به سیاستهای ضد مردمی و ضدانقلابی آن به جوخه اعدام سپرد. جنایتکاران کومله‌ای پس از کشتار مردم بی‌دفاع برای زهرچشم گرفتن، دام‌های روستا را نیز معدوم کردند و علوفه و آذوقه دام‌های روستائیان را به آتش کشیدند. باند ضد انقلابی کومله طی اعلامیه‌هایی، تمامی نیروهای انقلابی از جمله اعضا و هواداران سازمان و حزب و پیروان کنگره چهارم را به ترور تهدید کرده و در مواردی علیه آنان دست به جنایت زده است. روی آوردن بیش از پیش این باندها به سیاست ترور و احتیاق سها نشان یاس و ربونی این باندها و دلیل اضمحلال ناگزیر آنهاست که در برابر پیروزی نیروهای انقلابی، خود را از هر سو در خطر نابودی و مرگ می‌بینند.

اکنون مردم محروم کردستان چهره واقعی این باندهای ضد انقلابی را که بام خلق کرد دست در دست امپریالیسم امریکا و مزدوران آن علیه آنان و انقلاب مردم ایران دست به جنایت می‌زنند شناخته است. جنون جنایتی که باند قاسملو و کومله مظهر آنند، انعکاس انزوی روزافزون آنان در میان مردم کردستان است و اعمال جنایتکارانه‌ای مانند ترور رفیق کریم خیاطی جز رسوایی بیشتر هیچ نتیجه دیگری برای جنایتکاران بهار نمی‌آورد. ایمن جاسایات همچنین نمی‌تواند کوچکترین خللی در اراده استوار رفقای ما، در مبارزه با این باندهای ضدانقلابی و در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پدید آورد.

هرچند که ضد انقلاب کردستان، دامنه تعرض و ترور را علیه اکثریتی‌ها و توده‌های‌ها و دموکراتهای پیرو کنگره چهارم، ایمن پیگیرترین مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران توسعه می‌بخشد، رفقای ما و همراهان صدیق آنان قاطع‌تر، پرشورتر و مصعمانه‌تر به افشای چهره ضدانقلابی قاسملو و رهبران کومله و مبارزه بی‌امان‌تر با جنبه متحد ضدانقلاب بسرکردگی امریکای جنایتکار برمی‌خیزند.

تیرهایی که ضدانقلاب برسینه‌های پاک نشانه می‌رود راهنمای قاطعی برای شناخت دوستان واقعی انقلاب در کردستان است. بعلت صداقت به انقلاب است که ضدانقلاب افراد مبارزی چون رحمان کریمی‌ها استاد شه‌ریکندی‌ها و کریم خیاطی‌ها را ترور می‌کند. مسئولان روشن بین حاکمیت انقلابی در کردستان باید به حکم منطق اطمینان حاصل کنند که سینه‌ای که ضدانقلاب به آن نشانه می‌رود، سینه‌ایست که در آن یک قلب پرشور انقلابی می‌تپد، نباید دست همکاری صاحبان این قلبهای پاک را فشرود. انقلاب فقط با همکاری نیروهای صدیق انقلابی محلی است که می‌تواند مجرای درست و انسانی خود را بیابد و واقعا "در کردستان پیروز و مستقر گردد".

## ملی شدن بازرگانی خارجی ، آغازی برای اجرای اصل ۴۲ قانون اساسی

مرانجام مجلس شورای اسلامی ، در چهارمین سال انقلاب ، روز شنبه ۲۱ اردیبهشت ماه ۶۱ با اکثریت قاطع لایحه دولتی کردن بازرگانی خارجی را به تصویب رساند . تصویب این لایحه علیرغم ایهامات آن ، گام بلندی است که جمهوری در راه اجرای اصل ۴۲ قانون اساسی و محدود ساختن فارتگریهای گلان سرمایهداران ، به سود مردم محروم به پیش برمی دارد .

تجارت خارجی ، همواره مجرای عمده وابستگی به انحصارهای امپریالیستی و سلطه فارتگرانه آنان بر اقتصاد میهنان بوده است . تاریخ رشد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم بیان کننده نقش است که تجارت خارجی در نابودی اقتصاد ملی ، فارت منابع طبیعی کشور و فقر و خانمطرابی توده های دهیاسیلیونی زحمتکشان میهنان داشته است .

ارزیابی دقیق قانون ملی شدن بازرگانی خارجی و نقد همه ماده ها و تبصره های آن در این مختصر نمی گنجد . ما در فرصتی دیگر این نقد و بررسی را انجام خواهیم داد ، آنچه در اینجا می آید نگرش

گلی بر این اقدام بسیار مهم مجلس شورای اسلامی است :  
اولاً ، مهم ترین نکته ای که پس از تصویب این قانون باید مورد توجه دقیق قرار گیرد ، اجرای بدون خدشه آنست . بهترین قانون زبانی که قرار باشد توسط طرفداران سرمایه داری و مدافعان فارتگری "تجار محترم" به اجرا درآید ، در محصل نتایج ای جز تداوم فارتگری تجار معدوم است به امپریالیسم نخواهد داشت .  
مطابق قانون ملی شدن بازرگانی خارجی ، وزارت بازرگانی مجری تقریباً تام الاحترار این قانون است . وزیر بازرگانی و در شرایط فعلی آقای سگراولادی سلطان ، مسئولیت اجرای این قانون را بر عهده دارد .

در تمام مدت بحث از یکسانی که تصویب نهایی این قانون در مجلس بطول انجامید ، آنچنانکه در مباحث مربوط به تصویب نهایی نیز مشهود بود خط طرفداری از فارتگری سرمایه داری ، که خیلی هم خود را مقدس حاب و پاسدار "شرع مقدس" می شناسد ، بسیار گوشید تا مانع تصویب این قانون شود . اکنون که نیروهای طرفدار "سرمایه داری" نتوانستند مانع تصویب این قانون شوند ، بدون تردید با تمام توان به میدان خواهند آمد و همه نیروی خود را بکار خواهند گرفت که مانع اجرای آن شوند و یا در عمل تا آنجا که می توانند آنرا مسخ کنند . باید دید که وزارت بازرگانی تا چه پایه از این نبرد سر بلند بیرون می آید ؟

ثانیاً ، قانون مصوب ، در زمینه چگونگی ارتباط تجارت خارجی با توزیع داخلی با ایهامات فراوانی روبرو است . هم در مجلس و هم در بیرون از مجلس دو خط در این زمینه در جدال بودمانند خطی که معتقد بود دولت باید کالاها را که از خارج می خورد ، از همان ابتدا در اختیار "تجار محترم" قرار دهد و در حقیقت کارگزار بخش خصوصی باشد و خط دیگری که بدرستی بر کنترل و نظارت دولت در توزیع داخلی انگشت می گذاشت و از این اعتقاد درسی دفاع می کرد که توزیع معده داخلی باید در کنترل دولت باشد . از نظر ما نیز اصولی آنست که با ایجاد شکافی از توزیع دولتی و تعاونی بخش خصوصی توزیع کننده کالا ، بسود اکثریت مردم و به سود پشموران و کسبه که می توانند در تعاونی های واقعی مشتمل شوند ، تحت نظارت و کنترل دولت قرار گیرند و توزیع بر این پایه سازمان یابد .

در واقع نیز ، اگر قانون ملی شدن بازرگانی خارجی ، دولت را تنها وارد کننده کالا از خارج بشناسد که مکلف است آنرا در اختیار "تجار محترم" قرار دهد تا تجار معده هر طور که خود صلاح می دانند به توزیع داخلی آن بپردازند ، آنوقت با اطمینان می توان گفت که نعمتی دردی از دردهای فشار مردم محروم درمان نشده است . نه تنها ارزقانی از عدالت اجناسی نصیب مردم نشده است بلکه دولت به خرج بیت المال ، عملاً کارگزار و خدمتگزار سرمایه دارهای زالومت شده است .

ثالثاً ، قانون بدون توجه به ماهیت رژیم ها ، روابط بازرگانی با کشورهای "سلطان" را مورد تاکید قرار داده است ! در اینجا نیز افتشاش در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب تاثیر زبانی خود را بر جا گذاشته است ! اندیشه نادرست نزدیکی با رژیم های امریکایی "ترک" و "پاکستان" سلطان ، بمثابة راه حل دستبازی به اقتصاد مستقل و خودگنا ، در این قانون هم راه خود را بار کرده است .  
با بارها گفتیم که شرط دستبازی به اقتصاد مستقل و خودگنا ، با همکاری صنایع سنگین و مدرنیزه کردن اقتصاد کشاورزی است . برای برآوردن این نیاز ، ما باید بطور برابر ، حقوق با کشورهای وارد حاطه تویم که با ما در حبه واحدی علیه امپریالیسم قرار داشته و می توانند با همکاری نیازهای ما برای دستبازی اقتصادی مستقل و نیرومند باشند . تجربه همه انقلاب های ضد امپریالیستی و مردمی دوران ما اثبات می کنند که تنها کشورهای پیشرفته سوسیالیستی قادرند در حین استقلال و آزادی مانهای صنعتی ما را برای پی ریزی یک اقتصاد پیشرفته و خودگنا برآورده سازند و تنها همکاری فشرده با مجموع کشورهای ضد امپریالیست می باید اساس سیاست اقتصادی ما را تشکیل دهد . تقسیم کشورهای جهان به "سلطان" و غیرسلطان یک تقسیم بندی غیر واقعی است که بر سیاست عمومی جمهوری اسلامی ایران ، از جمله سیاستهای اقتصادی آن نیرگسی می افکند . چگونه می توان گفت رابطه اقتصادی با دولت عربستان سعودی و اردن هاشمی و پاکستان و ترکیه ( که خود را اسلامی می دانند ) بر رابطه اقتصادی با آلمان دموکراتیک ، کوبای انقلابی و ویتنام ارجح است ؟

نادیده گرفتن این حقایق همانگونه که نجارب سایر انقلابات نشان می دهد تنها راه را برای سلطه مجدد انحصارات امپریالیستی باز می کند !  
و اینها ، قانون برای در اختیار گرفتن تمام بازرگانی خارجی ، ۴

سال به دولت مهلت داده است، بنظر ما مهلت تعیین شده واقع  
بهینانه نیست. در طول چهار سال سرمایه‌داران فارتگر، قانوناً وقت  
دارند که هرکاری که دلشان می‌خواهد با اقتصاد کشور بکنند. به  
نظر ما در شرایط فقدان تسهیلات لازم از سوی دولت، ضربات و  
زبان‌هایی که سرمایه‌داران واردکننده کالا در این مدت طولانی که  
برای انقلاب سرنوشت‌ساز است متوجه انقلاب و کشور خواهند کرد  
(وهم‌اکنون دارند می‌کنند) صدها بار پیش از زبان احتلال‌ها نیست  
که احتمالاً ممکن است بر اثر شتاب روند دولتی کردن در کارها پیش  
بیاید.

بهر حال پیگار اصلی، برای ملی کردن بازرگانی خارجی در صحنه  
عمل است که با حدت به پیش می‌رود. وظیفه انقلابی ماست که در  
این پیگار فعالانه شرکت کنیم، در اجرای درست قانون تلاش کنیم،  
مابح مسخ قانون شویم و راه را بر فارتگری کلان سرمایه‌داران  
ببندیم.

بدینال مسیح سرکوب، کشتار و بازداشت مردم فلسطین در  
 زمینهای اغتالی توسط رژیم صهیونیستی که در حقیقت  
 برای بی دانه بار دیگر صهیونیستها خود را برای حمله گسترده به  
 جنوب لبنان آماده می سازند. بسیاری از دوگانه های فلسطینی در  
 تاریخ ۲۱ اردیبهشت که طی آن حداقل ۱۸ نفر جان خود را از  
 دست دادند آزارگر دور جدیدی از تدارک نبود منظور وارد آوردن  
 ضربات جدی و خطرناک بر بستر سازمان آزادیبخش فلسطین  
 است. طی هفته گذشته رژیم صهیونیستی به تدریج جدی قوا در  
 امتداد مرز لبنان دست زد و تعداد پروازهای شناسایی خود را بر  
 فراز خاک لبنان به شکل نگران کننده ای افزایش داد. سازمان  
 آزادیبخش فلسطین که رهبر انقلاب فلسطین و تنها نماینده خلق  
 فلسطین است، آماج مدم تعرضی جدید رژیم صهیونیسم اسرائیل  
 است. از زمان پیدایش سازمان آزادیبخش و بخصوص از زمانیکه  
 این سازمان بعنوان تنها نماینده واقعی مردم فلسطین در صحنه  
 سیاسی منطقه و جهان معرفیاندام گرد همواره مورد عقم و نفرت  
 صهیونی رژیم صهیونیستی بوده است. اسرائیل بارها گوشیده است  
 تا این مانع اساسی طرحهای تجاوزگاران خود را از سر راه بردارد  
 اما همواره سازمان آزادیبخش فلسطین قدرتمندتر از زیر ضربات  
 دشمن سربرداشته است. اکنون سازمان آزادیبخش فلسطین در  
 موقعیتی نیست که بتوان با ادکی آنرا نابود ساخت. این سازمان  
 با تجربه طولانی که به قیمت جان هزاران نفر از فرزندان خلق خود  
 بدست آورده است در قلب تمام مردم فلسطین جای دارد.  
 علاوه بر این اکنون این سازمان دارای موقعیت بین المللی مهمی  
 است و از طرف اغلب کشورهای جهان بعنوان تنها نماینده مردم  
 فلسطین به رسمیت شناخته شده است. جنبش فلسطین از پشتیبانی  
 دوستان قدرتمندی در اردوگاه سوسیالیستی و بخصوص اتحادیه  
 شوروی و همچنین کشورهای مترقی و جنبشهای آزادیبخش برخوردار  
 است. با اینکه باید توطئه رژیم صهیونیستی برای امحاء جنبش  
 فلسطین را جدی تلقی کرد. طرح حمله به جنوب لبنان اکنون  
 مراحل تدارکاتی را پشت سر گذاشته و می رود که جنبه عملی به خود

بگیرد. در این شرایط وظیفه همه نیروهای شرقی و صلح‌دوستانه  
همه نیروهای مدافع خلقها و همه نیروهای ضد امپریالیست و ضد  
صهیونیست است که با تمام نیرو به کمک جنبش فلسطین برخیزند.  
این هدف تنها از طریق حمایت همه جانبه مادی و معنوی از مبارزان  
آزادبخت فلسطین که در عمل، همه مبارزات مردم فلسطین را  
پشتیبانی می‌کند تحقق خواهد یافت. "